

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ: ۹۲/۰۷/۱۴

اعلمیت علی (علیه السلام) از زبان تابعین و علمای بزرگ اهل سنت

آقای محسنی:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.

با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد. سلام عرض می کنیم بینندگان عزیز هر کجای عالم هستید امیدواریم در صحت و عافیت باشید. شب با سعادت و نورانی ازدواج دو دریای نور که ثمره ی آن اقیانوس نور بود را به شما تبریک عرض می کنیم امشب مصادف است با شب ازدواج.

مرجع البحرین التقیان.

حضرت زهرا علیها سلام و حضرت امیر المومنین علیه السلام این دو دریای نور به هم پیوند خورده اند و ثمره ی آن ها ضوابط مقدس اهل بیت علیهم السلام و همه ی سادات عزیز که الان در سراسر عالم پخش هستند. خدا را شاکر هستیم و ممنون هستیم به این عنایت الهی و این شب را تبریک عرض می کنیم به پیشگاه مقدس امام زمان ثمره ی این التقاء این دو تا نور و شما بینندگان عزیز که امشب بیننده ی برنامه ی ما هستید.

ممنون و سپاس گذار هستیم از انتخاب شما برنامه ی حبل المتین را که در هفته یک شب تقدیم شما می شود که امشب هم در این شب با سعادت ما توفیق پیدا کردیم خدمت شما عزیزان باشیم برنامه ی حبل المتین قصد دارد برنامه ای را تقدیم شما عزیزان بکند که در آن معارف و علوم اهل بیت علیهم السلام تقدیم شما عزیزان بشود. اتفاقاتی که در صدر اسلام به وجود آمده که بسیاری از این اتفاقات منشأ اعتقادی می تواند پیدا بکند را برای شما مطرح می کنیم.

و در بوته ی نقد و بررسی آن را می کاویم و پیگیری می کنیم که چگونه تاریخ تحریف شده است. و حقیقت پوشیده شده است و قضاوت این مباحث را هم به عهده ی شما عزیزان می گذاریم بسیار جالب است که شما بیننده ی عزیز هم متوجه این قضیه شدید و شاید عزیزانی که تازه پای گیرنده و بیننده ی برنامه ی ما شدند بدانند که مطالبی که گفته می شود همه از کتب برادران اهل سنت است.

همین که بسیاری از مورخین اهل سنت بودند و همین که این نشانی از اهل بیت دارد که سندی از حقانیت و حقیقت این بزرگواران است که ما خواهش می کنیم عزیزان ما مخصوصا برادران اهل سنت با چشم حقیقت بین و با عینک حقیقت بین این مباحث را نگاه کنند و قضاوت هم به عهده ی خودشان به هر صورت ما و شما فردای قیامت سوال خواهیم شد.

و اگر حقیقتی به ما رسید و آن را پوشیدیم و او را پوشانیدیم و به آن توجه نکردیم بر حقیقت ما هم نسبت به این حقیقت کفران نموده ایم و کافر شده ایم که خدایی نکرده برای ما فردا مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. البته ثمره ی این هم در دنیا برای ما روشن خواهد شد و ما خواهش می کنیم عزیزان ما توجه بکنند و ان شاء الله خداوند هم عنایت می کند به آن هایی که دنبال حقیقت هستند و روح حقیقت جو دارند ان شاء الله تا پایان برنامه ما را در این شب با سعادت همراهی می فرمایید ما در خدمت کار شناس عزیز حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم.

هم سلام عرض می کنیم خدمتشان و هم تبریک.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته. بنده هم خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هر کجای این کره ی خاکی ما را مهمان کانون گرم و با صفای خانواده ی خویش قرار داده اند خالصانه ترین سلام را همراه با تبریک سال روز ازدواج مبارک و پیوند مقدس دو نور پاک از عالم نور صدیقه ی طاهره و

حضرت امیر سلام الله عليه به همه ی بینندگان عزیز تقدیم می کنم و امیدوارم که ان شاء الله همه ی عزیزان در هر کجا هستند موفق مؤید و پیروز باشند.

خدا را به آبروی این دو نور از عالم نور سوگند می دهم از همه ی عزیزان به ویژه بینندگان گرامی رفع گرفتاری کرده حوائج همه را برآورده کند دعای همه را به اجابت برساند.

امشب علی آن عدل کل بر عقل کل داماد شد

دست خدا وجه خدا را خواستگاری کرده است

عیسی به دنبال علی مریم کنار فاطمه

کروبیان در همهمه قدوسیان در همهمه

کشتی اسمت ناخدا را سوی ساحل می برد

امشب علی در خانه ی خود شمع محفل می برد

انسان کامل را بین با خود مکمل می برد

مشکل گشای عالمی حل مسائل می برد

هم آن به این دل می دهد هم این از آن دل می برد

این پیوند مقدس و مبارک را به همه ی شما و در رأس همه به پیشگاه مقدس آقا ولی عصر ارواحنا فداه تبریک می گوئیم ان شاء الله به احترام این دو نور پاک خدا به همه ی آن پسران و دخترانی که در انتظار تشکیل کانون پاک و مقدس زندگی هستند هر چه سریع تر مقدمات ازدواج همه را فراهم کند و برای آن هایی که ازدواج کرده اند کانون پاک مقدس همراه با صفا و صمیمیت به همه روزی کند. به شرط آن که ان شاء الله همه به این فکر باشند شیعیان امیر المومنین سلام الله عليه را بیش تر کنند.

پیغمبر اکرم فرمود:

إنی اباه بکم العمم و لو بسقط.

من به وجود دوستداران علی و به امتم فردای قیامت مباحثات می کنم.

این که در بعضی از شعارها از زمان شاه خلاصه توسط استعمار برای ما آوردند. فرزند کم تر زندگی بهتر و این باعث شد که تک فرزندی یا حد اکثر دو فرزندی در میان ما رواج پیدا کند این فرهنگ کاملا غلط بوده البته آماری که ما داریم بعد از سخنان رهبر بزرگوار آمار زیاد شدن شیعیان امیر المومنین در حال رشد است.

آقای محسنی:

الحمد لله.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مخصوصا آماری که جدیدا داده اند در شهر قم و استان قم دوستان امیر المومنین خلاصه مشغول کار دستی درست کردن و زیاد کردن شیعیان امیر المومنین سلام الله علیه هستند. این توصیه ی ما هست و همه ی عزیزان شیعه در سراسر جهان این فکر غلط را از ذهنشان بیرون کنند.

البته من بعضی وقت ها که دوستان می آیند من عقد می خوانم می گویم خلاصه با این شرط من عقد می خوانم که تصمیم بگیریید به نام ۱۴ معصوم، ۱۴ تا دور دانه و شیعه ی امیر المومنین و سر باز امام زمان سلام الله علیه ان شاء الله به جامعه تحویل دهید.

آقای محسنی:

خیلی ممنون، حاج آقا ما یک تبریک ویژه به شما داریم.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خواهش می کنم.

آقای محسنی:

حضرت عالی ثمره ی این ازدواج هستید دیگر.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلامت باشید.

آقای محسنی:

و همه ی سادات عزیز، حاج آقا امشب به نیابت همه ی بینندگان عزیز از شما باید عیدی بگیریم.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در خدمت شما هستیم.

آقای محسنی:

ان شاء الله. ممنون هستیم اگر خاطر شریف شما عزیزان باشد ما سلسله مباحثی را که تقدیم شما عزیزان می کردیم در این مباحث امامت بحث عدله ی عقلی امامت بود که جلسات متعددی است که در این برنامه ی حبل المتین خدمت شما عزیزان هستیم ممنونیم که حالا شما پیگیری این مباحث و مسائل را دارید و بی صبرانه منتظر هستید که ادامه ی مباحث را داشته باشید.

قدری این مباحث طول کشید و عذر خواهی می کنیم به خاطر این که اهمیت و جایگاه بحث عقلی این جا لازمه ی بحث بود که ان شاء الله امیدواریم زود تر این بحث جمع بشود و موضوع جدیدی را مطرح بکنیم که کم کم در آستانه ی عید الله اکبر عید غدیر خم هستیم که ان شاء الله دیگر مباحث باید غدیری بشود. حاج آقا هم قول دادند که ان شاء الله لطف کنند و عنایت کنند این برنامه را ان شاء الله پیگیری کنیم.

حاج آقا در بحث شب گذشته ی ما یعنی هفته ی قبلی که خدمت شما بودیم و بینندگان عزیزمان بحث در باره ی باز سخنان ابن تیمیه بود نسبت به بحث عدله ی عقلی امامت که ما عرض کردیم در کتب کلامی اهل سنت سه تا از شاخصه ها را به عنوان اصول امامت مطرح کردند که حاکم اسلامی باید علمش شجاعت و عدالتش سر آمد روزگار خودش باشد تا بتواند سکان جامعه را به دست بگیرد و جامعه را به رشد و تعالی برساند.

در بحث اول که بحث علم بود گفتیم که حتما حاکم اسلامی باید اعلم از دیگران باشد حدیث معروف و ماندگار.

أنا مدینة العلم و علی بابها.

مطرح شد که از زوایای مختلف بحث ها پیگیری شد که آقای ابن تیمیه آمد و این سخن را رد کرد و گفت هر کس هم بگوید علی اعلم است از دیگر صحابه این از دروغ گو ترین افراد جامعه و از افراد است که باید به آن خلاصه دست رد بزنیم. جلسه ی گذشته حضرت عالی از ابن عباس و عبد الله بن مسعود حاج آقا در اعلمیت حضرت علی علیه السلام مطالبی را بیان فرمودید و از سایر صحابه اگر لطف بفرمایید مطالب را قدری برای بینندگان عزیزمان مطرح بفرمایید که ارتباط برقرار بشود.

هم با بینندگان عزیز هم با مباحث گذشته ان شاء الله من سوالات بعدی را در خدمت شما هستم.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم.

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی رسول الله آله آل الله لا سیما علی مولانا علی بقیة الله. و لعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله. و فوذ امری الی الله ان الله بصیر بالعباد. حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولا و نعم النصیر. یا ابا صالح المهدی ادرکنا.

ما با توجه به این که هم بحث طولانی شد گر چه جا دارد هر چه ما در این زمینه بیش تر بحث کنیم و بحث عدله ی عقلی امامت را که از زوایای مختلف مورد بررسی قرار بگیرد مخصوصا ما در رابطه با اعلمیت امیر المومنین که هم مرجعیت علمی علی را تثبیت می کند و هم مرجعیت سیاسی را تثبیت می کند ما مفصل حدیث.

انا مدینة العلم و علی بابها. انا مدینة الحکمه و علی بابها.

از شخصیت های مختلف اهل سنت با سند های متعدد و شهادت بر صحت روایات برای بینندگان عزیز عرض کردیم. در برابر شبهاتی که بوده شبهات ذهبی را را آوردیم و رد کردیم شبهات ابن تیمیه را مطرح کردیم و گفتیم این شبهات هم همه شبهات بی اساس است و ما از زبان نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم ما روایات متعددی آوردیم که حضرت فرمود که اعلم امت من علی بن ابی طالب اعلم صحابه اعلم کسانی که بعد از من هست این ها همه امیر المومنین سلام الله علیه است این ها همه با چیزی که ما آورده ایم کاملا تثبیت کرد.

اما در رابطه با اعلمیت علی از صحابه از سعد بن وقاص ما آوردیم از خود خلیفه ی دوم آوردیم که گفت:

یا علی أنت أعلمهم و أفضلهم.

تو عالم ترین و فاضل ترین صحابه هستی.

یا گفت قاضی ترین ما علی بن ابی طالب است و آقایان هم گفتند که علم قضا در حقیقت یک علم

بزرگی است و مهمی است که لازمه اش تسلط بر تمام معارف دینی و واجبات است. و عبارت خلیفه ی دوم را که گفت:

لولا علی لهلك عمر.

یا.

لولا علی لهلك ابو بكر.

یا خود عمر می گفت پناه می برم به خدا از مشکلی که پیش بیاید و علی بن ابی طالب در این جا حضور نداشته باشد. بعد ما عبارتی از صحابه ما آوردیم که ابن عباس گفت قسم به خدا علی بن ابی طالب ۹۰ در ۱۰۰ علوم را دراد در ۱۰ در ۱۰۰ دیگر هم که در میان مردم هست علی آن جا هم سهیم است. بعد آورده ایم که ابن عباس می گوید علی بن ابی طالب اعلیم و حکیم است. و گفت ما اگر چیزی را که علی بن ابی طالب فتوا داده باشد ما به هیچ وجهی نسبت به این تجاوز نمی کنیم.

از عبد الله بن مسعود آورده ایم که جناب آقای محسنی بزرگوار هم اشاره کردند که افرض اهل مدینه کسی که آگاه به فرائض و قضا است علی بن ابی طالب است و این جا ما رسیدم که باز از یکی از صحابه ی دیگر به نام جناب اسود بن یزید متوفی ۷۵ است که ایشان می گوید:

لم أر بالكوفة من أصحاب محمد أعلم من علي بن أبي طالب.

اسود بن یزید در کوفه بوده می گوید من در کوفه در میان اصحاب پیغمبر که منتشر بودند عالم تر از علی من ندیدم.

به فتوای آقای ابن تیمیه ام المومنین عایشه می گوید:

أعلم الناس بالسنة.

ابن عباس می گوید عبد الله بن مسعود می گوید جناب اسود بن یزید شما ببینید ترجمه ی اسود بن یزید را که ابن عبد البر می گوید ایشان نخعی است.

أدرك النبي مسلما.

درک کرد ولی توفیق زیارت او را نداشت.

که آقایان می گویند کسانی که در زمان پیغمبر بودند و مسلمان شدند صحابه هستند. حتی ابن حجر تعدادی از افرادی می آورد که در رحم مادر بودند. پیغمبر در قید حیات بود این ها هم جزء صحابه آورده است. و اضافه خود ذهبی در باره ی اسود بن یزید دارد.

الامام، القدوة.

اسود بن یزید از ائمه ی اهل سنت و پیشواست و ایشان می گوید ایشان مخضرم بوده، مخضرم کسی که زمان جاهلیت را درک کند و هم زمان اسلام را را درک کند. ابو طفیل است که باز از صحابه ی پیغمبر هست که ایشان می گوید علی بن ابی طالب یک روزی خطبه ای خواند و فرمود مردم این علم از بین رفتنی است از میان شما برچیده خواهد شد.

وإني أوشك أن تفقدوني.

من احتمال می دهم در آینده من را از دست می دهید.

فسلوني.

هر چه می خواهید از من بپرسید.

فلن تسلوني عن آية من كتاب الله إلا نبأكم بها.

از من سوال نخواهید کرد هرگز از هیچ آیه مگر تفسیر و تعویل آن را برای شما خواهم گفت.

و فيم أنزلت.

شأن نزول او را هم به شما خواهم گفت.

و إنكم لن تجدوا أحدا من بعدي يحدثكم.

هرگز بعد از من کسی را نخواهید یافت این علم را برای شما بیان کند.

آقای ابن عساکر متوفی ۵۷۱ ایشان تاریخ دمشق جلد ۴۲ صفحه ی ۳۹۷ جناب آقای عاصمی مکی

شافعی متوفی ۱۱۱۱ در سمط النجوم جلد ۳ صفحه ی ۴۸ نقل می کند. ابو طفیل هم که آقایان می دانند ابن عبد

البر دارد که.

ولد عام أحد.

در سال احد ایشان به دنیا آمد.

و أدرك من حياة النبي ثمانين سنين.

هشت سال از زمان عصر پیغمبر را درک کرد.

و در رکاب امیر المومنین سلام الله عليه بود بعد شهادت امیر المومنین رفت به مکه و آن جا مقیم شد. و می گویند آخرین صحابه ی پیغمبر که از دنیا رفت آقای ابو طفیل بوده. در این جا این مباحث ما در حقیقت آن چه که من به ذهنم می رسید و امکان پذیر بود از صحابه البته عبارت ها زیاد است. ما دیده ایم اگر همه ی اقوال صحابه را ما بخواهیم مطرح بکنیم.

شاید این کار به درازا بکشد و دو باره با اعتراض جناب آقای محسنی عزیز مواجه بشویم که آقا این بحث طول کشید.

آقای محسنی:

حاج آقا شما هم اول بحث هم فرمودید در مطلب بحث چند ماه پیش بود که این استطاعت دارد شش ماه طول بکشد فکر کنم نصفی از این شش ماه رفته است.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله.

آقای محسنی:

بله ان شاء الله که این مباحث بتواند مفید باشد برای شما عزیزان و این طور که پیامک های شما به ما می رسد و تماس هایی که شما می گیرید الحمد لله این ها قابل استفاده است و خدا را شاکر هستیم در این عصر ارتباطات می توانیم حقایقی را از حقایق اهل بیت علیهم السلام را تقدیم شما عزیزان بکنیم. حاج آقا بحث صحابه را حضرت عالی مطرح کردید و فرمودید صحابه حالا به آن تعریف عامی که آقای ذهبی گفته است. حتی

آن هایی که در رحم مادرشان بودند زمان وجود پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم این ها را صحابه می دانستند.

اما تابعین را حالا که یک تعریف دیگری دارد که کسانی که صحابه را درک کرده اند نه خود پیغمبر را بلکه صحابه را درک کردند را اصطلاحاً بهش تابعین می گویند که ما از حاج آقا خواهش می کنیم که حالا یک پله یک طبقه بیایند پایین و بحث تابعین را مطرح می کنیم که آیا مطالب مهمی نسبت به تابعین برای ما در اعلمیت حضرت امیر علیه السلام چیزی مطرح شده است یا نه؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله ما همان طوری که در ابتدا دوستان که دیده اند تصویر مانیتور من را که ما گفتیم این جا چهار محور را بحث می کنیم اعلمیت حضرت علی از زبان پیامبر از زبان صحابه از زبان تابعین از زبان اعلمای بزرگ اما از زبان تابعین عزیزان یک مقداری دقت کنند خوب حالا نسبت به آن روایات آقایان بیایند اشکال سندی بگیرند گر چه نمی توانند چون آقای ابن تیمیه می گوید وقتی روایات متعدد شد هم دیگر را تقویت می کند و لو این که ناقلینش فجار و فساق باشند.

مجموعه ی فتاوی ابن تیمیه جلد ۱۸ صفحه ی ۲۶، گفت ۸، ۸، ۱۶، آن جا می شود ۲۶، بله دیگر نسبت به تابعین و بزرگان دیگر آقایان نمی توانند بگویند این خلاصه سندش چنین است و چنان است و امثال این، دوستان برای شما عرض کنم دقت بکنند که جناب ابن عساکر و هم چنین بن منظور در خلاصه ی تاریخ دمشق نقل می کند از جناب شعبی عامر بن شراحیل شعبی می گوید:

لیس منهم أحد أقوى قولاً في الفرائض من أبي طالب.

در فرائض یعنی در علوم اسلامی کسی قوی تر از علی بن ابی طالب نیست.

جناب ذهبی هم نسبت به شعبی می گوید:

شعبی الامام علامة العصر.

آقای شعبی عامر بن شرحیل یا شرحیل علامه ی عصر است.

و شعبی گفته است ۵۰۰ نفر از صحابه را من درک کردم جناب عاصم احول می گوید:

ما رأیت أحدا أعلم من الشعبي.

من احدی را عالم تر از شعبی در میان تابعین ندیدیم.

جناب آقای عطا، عطا بن اُبی رباح می گوید: سوال کردند آقای بن ابو سلیمان می گوید من گفته ام آیا.

أكان في أصحاب محمد أحد أعلم من علي.

آیا در میان اصحاب پیغمبر عالم تر از علی دارید؟

قال: لا والله ما أعلمه.

به خدا سوگند عالم تر از علی من سراغ ندارم.

که البته به فتوای آقای ابن تیمیه جناب آقای عطا هم از.

اكذب الناس. افسق الناس.

باید باشد آقایان مراجعه کنند. استیعاب ابن عبد البر جلد ۳ صفحه ی ۱۱۰۴، ابن عساکر هم نقل می کند

ابن منظور هم نقل می کند. جناب آقای محمد علی متوفی ۱۲۹۹ هم همین تعبیر را از عطا نقل می کند. آقایان

ببینند عطا که است؟ ذهبی می گوید:

الامام شيخ الاسلام, مفتي الحرم.

پیشوای اهل سنت است و شیخ اسلام است.

و کسی هم نگفته است که کسی به عطا بگوید شیخ الاسلام کافر است. همان طور که محمد بن محمد

بخاری از اعلمای اهل سنت بگوید کسی به ابن تیمیه بگوید شیخ الاسلام کافر است. آقای عطا می گوید:

أدرکت مئتين من أصحاب رسول الله.

۲۰۰ نفر از اصحاب پیغمبر را من درک کردم.

ابو حنیفه می گوید:

ما رأیت فیمن لقیته أفضل من عطاء بن ابي رباح.

من ابو حنیفه می گوید در میان کسانی که دیده ام فاضل تر از عطا ندیده ام.

همین آقای عطا قسم به خدا می خورد به خدا سوگند در میان اصحاب محمد عالم تر از علی بن ابی

طالب من ندیدم. دیگر قضاوت را ما به عهده ی بینندگان عزیز می گذاریم. نفر بعدی سعید بن مسیب است.

متوفی ۹۳ ابن اثیر جذری متوفی ۶۳۰ می گوید سعید بن مسیب گفته است.

ما کان أحد من الناس یقول: سلونی, غیر علی ابن ابی طالب.

هیچ کدام از مردم جرعت نکرد بگوید از من هر چه می خواهید پرسید غیر از علی بن ابی طالب.

اگر دارید شما واقعا بفرمایید غیر از امیر المومنین کسی آمده ادعا کرده باشد بر این که از من هر چه

می خواهید پرسید. می گویند ابن جوزی یک روزی رفت بالای منبر.

آقای محسنی:

بله داستان قشنگی است.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

گفت حالا من هم می گویم چه اشکالی دارد. بعد یک پیر زنی بلند شد از پشت پرده سوال کرد آقای

ابن جوزی بفرمایید جناب عایشه ام المومنین که آمد به جنگ با اجازه ی پیغمبر آمده بود یا بدون اجازه ی

پیغمبر؟ و این حرف او.

و قرن فی بیوتک.

تطبیق می کند یا نه؟ ماند در آن، برگشت گفت خانم تو با اجازه ی شوهرت آمده ای یا بدون اجازه اگر با اجازه شوهرت آمده ای خدا شوهرت را لعنت کند. اگر بدون اجازه آمده ای خدا تو را لعنت کند. از منبر آمد پایین گفت:

سلونی قبل انتفقدونی فقد.

فقط بر قد و قواره ی امیر المومنین سازگار است.

و افرادی هم هستند که این را ادعا کردند و مفتضح شدند. شما ببینید سعید بن مسیب که است؟
ذهبی می گوید:

الامام العلم.

هم امام است و هم واقعا پرچم برای اسلام است و استوانه است و پایه است.

عالم أهل المدینة.

عالم اهل مدینه است.

وسید التابعین فی زمانه.

سرور و آقای تابعین در زمان خودش است.

قتاده و زهری و دیگران می گویند:

ما رأیت أعلم من سعید بن المسیب.

ما در عصر خودش عالم تر از سعید بن مسیب ما ندیدیم.

جناب آقای ابن مدینی که از رجالیین به نام اهل سنت است ایشان هم می گوید در میان تابعین.

أوسع علما.

از آقای ابن مسیب من ندیدم. من تلاش کردم هر عبارتی می آورم شرح حال خود این گوینده ی سخن

را هم بگویم که این جوجه وهابی ها نیابند حالا در شبکه هایشان در سایت ها و نمی دانم فیس بوک و غیره

جیک جیک راه بندازند. بله فلانی آمد فلان عبارت را گفته است این طور است و آن طور است. شما بفرمایید این همه مطالب ما در اعلمیت امیر المومنین آورده ایم شما یکی از این ها را در حق دیگر صحابه بیاورید. این در حقیقت یک بخشی بود از آن چه که ما در رابطه با تابعین البته مطلب باز زیاد است من فقط یک دو سه نمونه را به عنوان مشتم نمونه ی خروار آورده ام که گر چه یکی از این ها گفته باشد برای ما کفایت می کند.

آقای محسنی:

ممنون و سپاس گذاریم ابتدای برنامه هم که حضرت عالی آن برنامه ی پاور پوینت را نشان دادید از چهار زاویه ای که به بحث پرداخته بودید نشان از حقانیت حضرت امیر دارد که این مباحث را ما از هر زاویه نگاه می کنیم واقعا سندی از حقانیت برای ما روشن می شود که امید واریم عزیزان ما توجه بکنند و این حضرت امیر علیه سلام که امشب هم شب ازدواج این دو نور بزرگوار هستند و این دو دریای نور هستند که حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت امیر علیه سلام را مجددا خدمت شما عزیزان بیننده تبریک عرض می کنم.

ان شاء الله که این مباحث مورد لطف شما و عنایت شما قرار گرفته باشد و توجه کرده باشید ما فرصت کوتاهی را می گیریم و بر می گردیم ان شاء الله در این تتمه ی باقی مانده هم از وقتمان سوال دیگری را مطرح می کنیم و منتظر صدای گرم شما عزیزان خواهی نشست .

دست خدا چو دست به سوی خدا گرفت در اصل مصطفی ز علی اذن را گرفت دیدند خواستگار علی بود

ظاهرا یک روح بود عشق ولی در دو تا بدن.

مجددا شب با سعادت و نورانی این ازدواج پاک و نورانی حضرت زهرا سلام الله علیها با امیر المومنین علیه السلام را به شما عزیزان و خوبان تبریک عرض می کنیم امیدواریم که خداوند عیدی ما را فرج فرزند بزرگوار این دو بزرگوار برای ما قرار بدهد و باقی مانده ی غیبتش را به ما ببخشد و ان شاء الله سالی که می آید سال ظهور امام زمان علیه السلام باشد ممنون و سپاس گذاریم که تا این لحظه همراه ما بودید ان شاء الله این

بخش پایانی و تتمه ی باقی مانده از بخش اول را هم کنار ما باشید و ان شاء الله امیدواریم که خداوند لطف بکند و برنامه مورد استفاده ی شما عزیزان قرار بگیرد.

حاج آقا بحث ما در قضیه ی حدیث معروف.

انا مدینة العلم و علی بابها.

و شبهاتی که مطرح شد و آن انکاری که آقای ابن تیمیه داشت نسبت به رد کردن اعلامیت حضرت امیر که حاج آقا هم بحث صحابه و هم بحث تابعین را برای ما مطرح کردند که بسیار جالب بود. باز یک طبقه می خواهیم بیایم پایین تر و یک پله برویم عقب تر و مباحث را از دیگر اعلامی اهل سنت سوال بکنیم از حضرت استاد که آیا حاج آقا غیر از صحابه و تابعین آیا اعلامی اهل سنت نظرات جالب و مهمی نسبت به قضیه ی اعلامیت حضرت امیر علیه السلام دارند یا نه؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله این هم باز من از قول بزرگان اهل سنت چند نمونه ای را من اشاره می کنم و ان شاء الله تفصیل قضیه را ان شاء الله دوستان ما یک فایل در این زمینه روی سایت خواهیم گذاشت آن جا ان شاء الله البته من نمی دانم فایل است به نام اعلامیت امیر المومنین یک فایل تقریباً ۶۰ یا ۷۰ صفحه ای است آن جا ان شاء الله عزیزان تفصیل را ببینند.

جناب علامه ی نبوی که متوفی ۶۷۶ است و شارح صحیح مسلم است ایشان می گوید:

و سوال کبار صحابه و رجوعهم إلى فتاوی و أقواله فی المواطن الكثيرة و المسائل المعضلات، مشهور.

این که کبار صحابه از حضرت امیر بارها سوال می کردند و کبار صحابه به فتاوا و گفتار علی بن ابی طالب رجوع می کردند در جای جای زندگیشان در معضلات اسلامی این خیلی مشهور است. یعنی ایشان دارد ادعای شهرت و غریب به اجماع می کند. دوستان می توانند ببینند تهذیب الاسما و لغات نبوی جلد اول صفحه ی ۳۱۷، جناب کرمانی متوفی ۷۸۶، هم در شرح صحیح بخاری که دارند الکواکب الدراری جلد ۲ صفحه ی ۱۰۹.

و همچنین جناب ملا علی قاری که از اعلمای بزرگ هند است ایشان هم می گوید.

و المعضلات التي سأله كبار الصحابة و رجعوا إلى فتواه فيها فضائل كثيرة شهيرة.

این که کبار صحابه در معضلات از علی سوال کردند و به فتاوی علی مراجعه کردند این یک فضیلت های بزرگ و مشهوری است. و تحقق پیدا کرد با این عمل یعنی سوال کبار صحابه از علی بن ابی طالب ثابت شد و تحقق پیدا کرد سخن پیغمبر اکرم که فرمود:

انا مدينة العلم و علی بابها. و أقضاكم علي.

خیلی قشنگ و زیبا، یعنی آمده آن عبارت را که از نبوی به بوده آورده و در کنارش هم می گوید این در حقیقت تحقق پیدا کرد سخن رسول گرامی در حق علی. شرح فقه اکبر صفحه ی ۱۱۳، جناب عضد دین ایجی که ابن حجر در باره اش دارد.

و كان إماما في المعقول.

از استوانه های کلامی اهل سنت است که ایشان می گوید:

علي أعلم الصحابة.

این دیگر روایت نیست نظر این آقا است. که از دیدگاه ابن تیمیه باید عضد دین ایجی هم جز دروغ گو ترین افراد باشد. بعد ایشان می گوید علی اعلم صحابه است چون در نهایت زیرکی بود و علاقه شدیدی داشت بر فراگیری از رسول اکرم و خود رسول اکرم هم عالم ترین انسان ها بود. و علاقه مند ترین افراد بود بر این که علی را ارشاد کند آموزش دهد.

و كان في صغره في حجرة.

علی بن ابی طالب در دوران کودکی در دامن پیغمبر بزرگ شده است و در بزرگی هم افتخار دامادی او را داشته.

يدخل عليه كل وقت.

و هر وقت می خواست به پیغمبر وارد می شود.

و این نشان می دهد که علی بن ابی طالب از نظر علمی بالا ترین مرحله ی کمال علمی را علی بن ابی

طالب رسیده است. این را یک فردی می گوید که ابن حجر می گوید:

كان إماما في المعقول قائما بالأصول، مشاركا في الفقه و غيره من الفنون.

آقای تفتازانی که سیوطی در باره اش دارد.

الإمام العلامة.

جناب خیر دین زرکلی در ترجمه اش دارد که امثال این ها را تاریخ ندیده است. آقا بفرمایید ایشان هم

می گوید:

أنه أعلم الصحابة.

علی بن ابی طالب عالم ترین صحابه بوده.

می گویند در خانه کس است یک حرف بس است. می گوید چرا عالم ترین بوده؟ برای این که علی بن

ابی طالب زیرک ترین و با هوش ترین صحابه بود همیشه ملازم پیغمبر بود و همیشه از پیغمبر بهره می برد و

خودش گفت:

علمني رسول الله صلى الله عليه و ألف باب من العلم.

پیغمبر هزار در از در های علمش را به روی من گشود و از هر دری هم هزار در گشوده شد.

آقای محسنی:

یک میلیون در شد.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یک میلیون در علمی به روی من پیغمبر گشوده است. بعد می گوید:

و استند العلماء في كثير من العلوم إليه.

بسیاری از اعلماء مباحث علمی را مستند به علی می کنند.

معتزله و اشاعره در موصول مفسرین در علم تفسیر. آقا این عبارت تفتازانه دیگر کلینی نیست نمی دانیم علامه ی حلی نیست علامه ی مجلسی نیست این آقایان بیایند یک سری مطالبی را مطرح بکنند که نه چنین و چنان است این هم از بزرگان شما. جناب علامه مناوی عبد الرؤوف مناوی متوفی ۱۳۰۰ ایشان یک تعبیری دارد می گوید در روایت ما داریم.

لا تعلقوا الدر في أفواه الكلاب.

مبدا در و جواهرات را دهن سگ بندازید.

حکمت همانند در است بلکه بالاتر از در است و هر کس قدر او را نداند.

فهو شر من الكلب و الخنزير.

خیلی تعبیر قشنگی است. امیدواریم این فرزندان ابن تیمیه خوب گوش هایشان را باز کنند که کسی قدر حکمت را نداند او از سگ و خوک بد تر است. ما نمی گوئیم آقای مناوی دارد می گوید.

و لذلك قيل كل لكل عبد بمعيار عقله.

هر کسی را با میزان عقلش وزن کن و با میزان فهمش بسنج.

حتی از او سالم و او از تو بهره ببرد و اگر نه اگر سخن در غیر موقع اش گفتی اگر برای نا اهلان سخن گفتی بی ارزش هستی. همان طور که این همه ما داریم حرف می زنیم برای این جوجه وهابی ها در این کار شناسان شبکه های شیطانی گویا ما بارها مثل سوره ی یاسین خواندن است اصلا و ابدا به هیچ وجه ایشان بده کار نیست. این همه ما دلیل آورده ایم این همه تقاضا کردیم آقا بیایید با هم صحبت کنیم شبکه به شبکه مراجع ما گفته اند نه آقا اصلا و ابدا در این فاز نیستند.

هم خودشان جاهل هستند هم دنبال این هستند که جاهل پروری کنند خیلی عجیب است. دارند امروز جاهل پروری می کنند. و ما بارها بنده عرض کرده ام چه عزیزان اهل سنت حتی جوان های وهابی که ما می بینیم بعضا از امیر المومنین سلام الله علیه یا از مذهب شیعه گریزان هستند و دارند شیعه حراسی می کنند. من عقیده ام بر این است که ۹۹ در ۱۰۰ کم اطلاعی و بی اطلاعی از مذهب شیعه است.

من واقعا این را شاید بر خلاف خیلی ها که مثلا می گویند شاید این ها معاند باشند و غیره، نه من عقیده ام این است که شاید ۹۰ یا ۹۵ در ۱۰۰ حتی همین وهابی ها آگاه از مذهب شیعه از عقائد شیعه نیستند. شما می بینید در کتاب های معتبر شخصیت های برجسته ی این ها، حالا من ان شاء الله این مطالب را مفصل عرض خواهم کرد یک شب، می گوید آقا ما شیعه ها را منحرف می دانیم گمراه می دانیم. چرا؟

چون این ها معتقد هستند بر این که جبرئیل خیانت کرده است. بنا بود وحی را به علی بن ابی طالب برسد به پیغمبر آورده است. شما ببینید مثل فخر رازی با آن عظمت وقتی می آید همچین حرفی هایی می زند دیگر از این آقایان فرزند کالکراب چه انتظاری ما داریم؟ وقتی ابن تیمیه می آید این چنین حرف می زند دیگر از این آقایان ترشیده ها و امثال او چه انتظاری هست؟ چکار کنیم ما؟

ما گرفتار یک سری نادان ها و جهله شدیم حاضر هم نیستند از این جهلشان دست بردارند حاضر نیستند و برای یک لحظه هم شده این پرده های جهل را از کنار چشمانش و عقلش کنار بزند. آمده است عقل خودش را در یک پارچه ی محکم پیچیده و در داخل یک صندوقچه ی آهنین قرار داده است و یک قفل محکمی زده است کلیدش را هم انداخته ته دریا که خودش هم بخواهد برود دیگر نمی تواند پیدا بکند.

ولی باید با یک دلری چیزی این قفل شکسته بشود. و این هم راهش این است که این ها بیایند بنشینند واقعا اگر عقل دارند شعور دارند فهم دارند صحبت کنند. بنشینند در یک محافل عمومی با بزرگانشان بیایند با بزرگان شیعه با رده های پایین با رده های بالا بیایند بحث کنند با هم مذاکره کنند و غیره، بله علامه ی مجلسی فلان جا همچین گفته است. شما هم بزرگانتان گفتند.

اگر بنا باشد ما نبش قبر بکنیم یقین بدانید در قبر های شما بیش از قبور شیعه مرده خوابیده است. ولی این والله به صلاح نیست این تحریک مردم تحریک اهل سنت علیه شیعه ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی این ها به هیچ وجه صلاح نیست. و الله جرم است و الله خیانت است. فردای قیامت نمی توانید جواب بدهید. هر قطره خونی که از دماغ یک انسان چه شیعه چه سنی چه وهابی چه حتی همین تروریست ها ریخته می شود شما آخوند های مزدور و مفتیان مفتکی که این طور فتوا های ضد اسلامی صادر می کنید مسئول هستید شما.

یک روزی فتوا صادر می کنند فردا از فتوا ایشان بر می گردند. نمی دانم پس فردا دو باره روی فتوایشان هستند و امثال این، آقا فلان آقا همچین فتوایی داده است. شما اگر یک مرجعی فرض حالا از گذشته نه مثلا امام راحل یک فتوایی پنجاه سال قبل داده است. آقای فتوای اخیر او چه بوده؟ آیا شما اگر یکی از مفتیان ده تا فتوا می دهد ملاک و حجت کدام فتوا است؟ شما خودتان نمی گوئید آخرین فتوای یک مرجع تقلید حجت است و قابل استناد است؟

مگر همین امام شافعی شما اقوال سابق قدیم و جدیدش خودش برای عزیزان شافعی مطرح نیست؟ آن نظریات فتاوی که در عراق داده این ها را کنار نگذاشتند فتاوی اخیرشان در مصر به عنوان اقوال جدید این ها را ملاک قرار نمی دهند؟ اگر خود ابوحنیفه ده تا فتوا داده باشد شما دنبال آخرین فتوا نمی گردید؟ اگر واقعا این ملاک هست در تمام مراجع در تمام بزرگان اصلا بالا تر از این می گوئیم آقا فلان مجتهد نظر داده است. مجتهد است.

شما خودتان می گوئید مجتهد اگر فتوا بدهد در فتوا خطا کند یک پاداش هم دارد. یک ثواب هم دارد. چرا این همه هیاهو این همه قیلو قال این همه آتش بیار معرکه شده اید. مردم را دارید نسبت به هم می شورانید. البته ما از این حضرات فرزندان ابن تیمیه و فرزندان بنی امیه غیر از این هم انتظار نداریم ولی ما از بعضی از بزرگواران در داخل کشور جمهوری اسلامی از بعضی از علما انتظار داریم فریب این ها را نخورند و

بعضی از مطالبی که این ها مطرح می کنند تحت عنوان بدعت شرک و غیره این ها همه فتاوا و نظریات شیطانی است. ابلیسی است.

نمی دانم آقا عزاداری نکنید این شرک است. این ها همین حرف شما شرک است حرف شما خلاف است اگر راست می گوئید آن ها نمی آیند. شما بیایید بنشینیم با هم بحث کنیم. نمی دانم اگر کسی پدر مادرش از دنیا برود نباید سیاه بپوشد. یعنی شما معتقد هستید این عزیزان اهل سنتی که ۱۴ قرن این چنین بودند مشرک بودند؟

آن دسته از اهل سنتی که فریب این مفتیان را می خورند آیا پدر مادر شما در حالت شرک از دنیا رفته اند؟ آقا جان بزنی در دهن این ها نگذارید این فتاوی ضد قرآنی را صادر کنند. نگذارید بر خلاف نسخ صریح بزرگان و علما و بزرگواران اهل سنت این ها حرکت کنند و شما را از جامعه بزرگ و بزرگوار اهل سنت جدا کنند. مطالبی می گویند زنگ بزنی با بزرگان با شخصیت های طراز اول الان هم شبکه ی ولایت به روی همه ی عزیزان گشوده است.

اگر این آقایان راست می گویند دروغ نمی گویند و واقعا عالم هستند این نمی دانم توسل شرک است عزاداری شرک است سیاه پوشیدن شرک است اگر مردانگی دارند عرضه دارند جرعت دارند بیایند این جا بنشینند با هم صحبت کنیم. چرا می روند مخفیانه در روستا ها پشت کوه ها تبلیغات این چنینی دارند می کنند؟ آیا نه این است که این ها ارتباط تنگاتنگی با این وهابیت تکفیری دارند؟ امروز آقا توسل شرک است فردا عزاداری شرک است پس فردا نمی دانم ختم گرفتن شرک است.

پس فردا هم آقا اصلا شیعه ها همه اهل سنتی که معتقد به توسل هستند همه مشرک هستند باید شما اصلحه بردارید آن ها را بکشید. نتیجه اش این می شود دیگر غیر از این چیز دیگری نخواهد بود. الا ای حال، من عذر می خواهم از بینندگان عزیز بعضی از مباحثی است که ناگزیر هستیم که به صورت لفافه به این

ها ما اشاره کنیم. و من تأسف می خورم از بعضی از این عالم نما ها که در کتاب هایشان این مباحثی را می آورند و می گویند اهل سنت نظرش این است.

شما که راست می گوید بر پدر دروغ گو لعنت. این که ما این همه از بزرگان ابن حجر ادعای اجماع می کرد ابن حجر مکی که توسل به پیغمبر چه در زمان حیات چه بعد از رحلتشان ادعای اجماع می کند بر این که مشروع است و خلاف نیست. آن وقت شما آقا این چیزی که ما می گویم شرک است این اقوال اهل سنت است اعلامی اهل سنت است این فقط برای ما خیلی درد آور است. شما یک فتوا صادر می کنید یک نظر می دهید یک کتاب می نویسید. شما بیایید بگویید نظر من است.

بی خود خودت را به اهل سنت نجسبان نظر اهل سنت این نیست حالا ما ان شاء الله به حول و قوه ی الهی یک ویژه برنامه خواهیم گذاشت در رابطه با توسل اقوال بزرگان اهل سنت را قدیم و جدید می آوریم و به همه ی عزیزان اهل سنت هم آموزش می دهیم که بیایند از شما سوال کنند. ببینیم جواب این ها را چه می دهید شم. اگر واقعا جواب قانع کننده دادید. سمعا و طاعاتا به قولی می گویند کور از خدا چه می خواهد دو چشم بینا، بلکه می گویند چهار تا چشم، دو تا هم یدکی داشته باشد برای روز مبادا.

الا ای حال، اگر واقعا راست می گوید شما ان شاء الله ما سوالاتی در رابطه با توسل فقط از کتب اهل سنت اقوال بزرگان اهل سنت را ما می آوریم و ان شاء الله از عزیزان اهل سنت از این بزرگواران که واقعا من در یک جلسه ای بود این صحبت شد. واقعا اهل سنت ایران اهل سنت نجیب و بزرگواری هستند. ولی یک سری شیاطینی دارند فریب وهابیت و صلفی ها را می خورند دارند از هان بعضی ها را البته خیلی کم است عزیزان اهل سنت ما هم آگاه هستند فریب این وهابی زده ها را قطعاً نمی خورند.

حالا دیگر این بحث هایی که ما داشتیم دیگر من گمانم معامله ی بحث را دیگر به همین اندازه اکتفا کنیم.

آقای محسنی:

بله اگر ما بخواهیم یک جمع بندی بکنیم نسبت به مباحث حضرت استاد بحث ما در مورد علمیت بود و

حدیث.

انا مدینة العلم و علی بابها.

بود که آقای ابن تیمیه رد کرده بود و حضرت استاد آمدند بحث صحابه اقوالی که صحابه مطرح کرده

بودند و تابعین و علمایی که نسبت به علمیت حضرت امیر صحبت کرده بودند. در حقیقت دست رد بر ادعا های

ابن تیمیه زدند و گفتند که این آقا دروغ است. ما اگر بخواهیم سوال را این طور مطرح بکنیم که واقعا اگر ما

باشیم بر همین مباحث اصلا آیات و روایاتی از پیغمبر نداشته باشیم نسبت به بعد از خودشان وصی باید باشد

در جامعه و که باید باشد.

اگر ما این اسناد را در اختیار داشته باشیم که همه دارند می گویند چه صحابه چه تابعین چه علما که

اعلم امت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم حضرت امیر علیه السلام است. آیا ایشان نباید آن خلافت را

به عهده می گرفتند یا نه که این ها مباحثی است که باید عزیزان ما به آن پردازند که قضاوت این مباحث را به

عهده ی شما می گذاریم که این حدیث را حضرت استاد هم بار ها فرموده اند که خود پیامبر فرمودند صلی الله

علیه و سلم اگر در بین امت من اعلم باشد و انسان سراغ کسی که عالم باشد یا پایین تر از آن اعلم باشد برود.

لقد خان الله و رسول.

می گوئیم اگر استاد هم آدرس این را هم می فرمودند خوب بود که ما به عنوان تتمه ی بحث که به هر

صورت اگر در جامعه یک نفر باشد که از همه عالم تر باشد و علمش بیش تر باشد ما سراغ نفر دوم برویم به

پیغمبر خیانت کردیم به امت خیانت کردیم به خدا خیانت کردیم به مومنین هم خیانت کردیم که این حدیث

معروفی است که حضرت استاد بار ها این را فرمودند.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

فرمودند که اگر کسی مسئولیت را بپذیرد و بداند در جامعه از آن عالم تر هست هم به خدا خیانت هم به پیغمبر خیانت کرده است هم به مسلمان ها خیانت کرده است این را عزیزان می توانند در کتاب تمهید الاوائل جناب باقلانی جلد ۱ صفحه ی ۴۷۴ و مبسوط جناب آقای سرخسی که از فقهای به نام عزیزان احناف است متوفی ۴۸۳ باید باشد. ایشان در مبسوط شان در این چاپ اخیر جلد شانزده صفحه ی ۱۰۹ این عبارت را آورده است و جناب آقای ابن عساکر متوفی ۵۷۱ در تاریخ دمشق جلد ۵۲ یا ۵۳ صفحه ی ۲۵۶ آورده است. و بزرگان دیگر هم این را آوردند.

آقای محسنی:

ممنون و سپاس گذاریم استاد خیلی زیبا بود امیدواریم که شما عزیزان استفاده کرده باشید فرصتتان تمام شد و حتی یک هفت هشت دقیقه ای هم از وقت شما عزیزان گرفتیم عذر خواهی می کنیم. اولین بیننده ای که روی خط است و ان شاء الله صدای گرم شان را خواهیم شنید سر کار خانم مدرس زاده هستند از تهران سلام و عرض و عرض تبریک دارم خدمت شما.

بیننده:

سلام علیکم.

آقای محسنی:

و علیکم السلام.

بیننده:

خدمت حضرت آیت الله قزوینی و آقای محسنی سلام عرض می کنم و سال روز ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را تبریک می گویم همچنین اول ماه ذی الحجه را، من یک صحبتی داشتم در ارتباط با آن تلفنی که فکر کنم شب جمعه بود یک آقای تلفن کردند که راجع به این آیه ی ۳ سوره ی مائده گفتند که این سوره از

منتهم لکم دینکم.

به خاطر این آمده است که یعنی اول حرام بودن این گوشت خوک و گوشت مردار و این ها را گفته است و چون این ها را گفته است این دیگر دین تکمیل شده است. من می خواستم بگویم که این حرام بودن این گوشت مردار و گوشت خوک در آیات ۱۷۳ سوره ی مبارکه ی بقره و ۱۴۵ سوره ی مبارکه انعام و ۱۱۵ سوره مبارکه نحل هم آمده بوده پس دلیلی نداشته که این جا بیاید این ها را دو باره تکرار کند به خاطر این که بگوید دین تکمیل شده است.

عرض دیگری ندارم التماس دعا دارم خیلی ممنون مچکرم خدا حافظ.

آقای محسنی:

سپاس گذاریم خدا نگه دار شما.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مچکریم خواهر عزیزم ببینید خواهر بزرگوار این افرادی که می آیند با این که ما در رابطه با غدیر از ایشان سوال کردیم ایشان رفتند در یک چیز دیگر، گفتیم آقا اگر واقعا تکمیل دین با تحریم گوشت خوک و مردار و این ها باشد این دین پیش کش شما ما همچین دینی را قبول نداریم. یک دینی که با حرام شدن خون

و گوشت مردار و گوشت خوک می شود تکمیل. اصلا این آیات را هم نداشته باشیم. آیا واقعا اصلا این معقول است؟

توهین به خدا است توهین به پیغمبر است توهین به قرآن است به قول آقای حسینی سوال کردم اگر واقعا دین با آمدن این آیه کامل شد این ۱۹۷ آیه ای که بعدا آمده است این ها پس چه بوده؟ هیچ جوابی نداشت بگوید این آقا.

آقای محسنی:

مضافا این ها که سال نهم هم حاج آقا مطرح شده بودند نازل شده بودند این آیات این ها هم در سوره های قبل در سال نهم مطرح شده اند.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در سال دوم سوم هجری این قضیه ی آن آیه ی شریفه ای که آقایان برای کشتار بدر چیز گرفته بودند. **إن من خمر و المیسر و الانصار و الاعزام و رجس من عمل شیطان فکتنه لعلکم.** این ها مربوط به اوائل هجرت است اصلا ارتباطی به این قضایا ندارد. و اضافه بعد از همین آیه ای که نازل شده است این آقایان می گویند خیلی از احکام مثل بحث کلاله و غیره خود خلیفه ی دوم می گوید بعد از این نازل شده است. ما متشکریم از این خواهر عزیزمان که واقعا بینندگان این قدر فهیم و با دقتی داریم.

آقای محسنی:

ممنون هستیم. جناب آقا رهنما از شهریار اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم خدمت شما.

بیننده:

سلام و علیکم و رحمت الله و برکاته به سرور عزیزم حاج آقای قزوینی.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم.

بیننده:

سلام عرض می کنم و خدمت حاج آقای محسنی عزیز.

آقای محسنی:

سلامت باشید قربان شما.

بیننده:

ضمن تبریک ایام ازدواج حضرت علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه ی زهرا حضورتان یک مطلبی را می خواستم عرض بکنم. در پنج شنبه شب که خدمت حاج آقا بودیم برنامه ی پنج شنبه شب یک آقا مصطفی از سنندج زنگ زدند و زیاد اصرار داشتند روی مسئله ی ازدواج ام کلثوم، البته حاج آقا جواب های بسیار خوبی دادند ایشان اصرار کردند باز حاج آقا جواب دادند. خیلی حوصله کردند. ولی یک مطلبی به نظر بنده رسیده است که عرض بکنم.

این برادران عزیز اهل سنت که اگر الان هم گوش می کنند یا دیگر بردران عزیزان از اهل سنت چرا انقدر روی این مسئله اصرار می کردند. این مسئله یا معادله یا مسئله سه بعد دارد یک از آن حضرت علی بن ابی طالب است. یکی از آن دختر خرد سال است. بعد اصلی آن خود آقای عمر است. چرا ایشان که این همه اصرار می کردند در حق اون دختر ظلم شده است.

به آن طرفش فکر نمی کردند. یک اشاره ای هم بکنند که بحث اصلی را ایشان راه انداخته است. با آن تهدیدی که علی بن ابی طالب را کردند که اگر این کار را نکنید طبق آدرس اصول کافی که حالا آدرسش را هم

حاج آقا فراموش کردند می خواستم الان بگویم که بفرمایند. آن داستان را عرض کردند که تهدید کردند اگر این کار را نکنید تهمت به دزدی می کنم شاهد می آورم و دستت را قطع می کنم. این طور که حاج آقا فرمودند. درست است؟

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

می خواستم عرض کنم برادران عزیز اهل سنت چرا به آن قسمت اصلی مسئله ای که جناب عمر این تهدید را کرده است شما اصلا اشاره نمی کنید. می فرمایید می گویند که چرا آن دختر مظلوم واقع شده است. بله ما هم می گوییم دختر مظلوم واقع شده است اگر درست است. حضرت علی بن ابی طالب هم مجبور شدند. اما بحث اصلی بر می گردد به آقای خلیفه ی دوم این را یک مقدار توجه بکنید. حاج آقا این همه اصرار کردند گفتند اصلا ایشان باز هم می گفت ظلم شده است.

این یک مسئله، مسئله ی دیگر.

آقای محسنی:

مضافا بر این که جناب آقای رهنما این چیزی را اثبات نمی کند اگر به قول شما بحث اکراه و زور در میان بوده به هر صورت دیگر حضرت مغلوب شدند نسبت به این زور و دختر را داده اند. و این چیزی را نشان نمی دهد. نه ارتباطی را نشان می دهد و نه حقانیتی را نشان می دهد.

بیننده:

نه بنده عرضم این نبود حاج آقای محسنی بنده عرضم این بود که حضرت علی بن ابی طالب، حاج آقای محسنی، بنده عرضم این بود که حضرت علی مجبور شدند.

آقای محسنی:

بله همین طور است من هم دارم تأیید می کنم شما را.

بیننده:

منظورم آقای عمر بودند.

آقای محسنی:

بله من هم دارم تأیید می کنم شما را.

بیننده:

من همین را می خواستم بگویم که زیاد اصل مسئله این بوده نه حضرت علی آن ها به اصطلاح از این مسئله اصلا اقرار نمی کنند چیزی را نمی گویند. این را می خواستم عرض کنم. واقعا حاج آقا درست فرمودند و رکن اصلی این مسئله آقای عمر بوده هیچ اشاره به این هر سوال کننده ای می آید اصلا به این نگاه نمی کند. می خواستم خواهش کنم از حاج آقا زحمت کشیدند آدرس همین اصول کافی بفرمایند که این را فراموش نکنند.

و یک مسئله ای را هم حاج آقا همان شب سوال یکی از بینندگان فرمودند در مورد این که حضرت علی بن ابی طالب چرا خلافت را اصرار نکردند. این که حضرت آقای قزوینی فرمودند که آن آیه را فرمودند که حضرت علی علیه السلام فرمود:

يابن ام إن القوم استضعفونی.

آدرس آورده فرمودند ولی من نتوانستم. لطف کنید این دو تا را بفرمایند خیلی ممنون می شوم.

آقای محسنی:

این که آیه ی قرآن است.

بیننده:

نه در یک مسئله ای که حضرت علی بن ابی طالب اشاره به این آیه کردند.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

ایشان گفت من مجبور شدم. عین حضرت هارون که گفتند. ببخشید خیلی ممنون می شوم. تشکر.

آقای محسنی:

ممنون هستیم جناب آقای رهنما درود بر شما خدا نگه دارتان. حاج آقا تا شما آماده می فرمایید ما

آقای عبد اللهی را بگیریم. اگر می خواهید جواب بدهید آماده هستید؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همین بحث را از الامام و السیاسیه ابن قتیبه ی دینبوی عرض کردم که در بعضی از چاپ ها صفحه ی

۳۱ است و بعضی از کتاب ها صفحه ی ۱۱ و ۱۲ است. که امیر المومنین سلام الله علیه را می برند برای بیعت

حضرت اصرار می کنند که بیعت کند ولی امیر المومنین سلام الله علیه بیعت نمی کند و آن جا حضرت اشاره می کند بر این که خطاب به نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم که.

إن القوم مستضعفون و کادھو یقتلوننی.

این مردم دنبال این هستند که من را بکشند.

همان عبارتی را که حضرت هارون نسبت به ظلمی که داشتند مطرح کردند ما این را آن شب کاملا آوردیم در کتاب های شیعه هم ما آدرس زیاد داریم در این قضیه. مثل کتاب سلیم بن قیس دوستان می توانند صفحه ی ۲۱۶ مراجعه کنند و همچنین بحار الانوار علامه ی مجلسی جلد ۲۹ صفحه ی ۴۱۹ مراجعه کنند و همچنین کتاب های متعدد دیگر که در این زمینه مفصل این مباحث را مطرح کردند.

آقای محسنی:

جناب آقای عبد اللهی از ایلام اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم خدمتتان.

بیننده:

سلام علیکم.

آقای محسنی:

یک مقداری بلند تر ما صدای شما را بهتر بشنویم. ممنون هستیم.

بیننده:

سلام علیکم.

آقای محسنی:

سلامت باشید و علیکم السلام.

بیننده:

سلام عرض می کنم خدمت آقای دکتر.

آقای محسنی:

ما هم خدمت شما سلام عرض می کنیم. من خواهش می کنم از همکاران عزیزم یک مقداری ولوم

صدا را بیش تر بکنند. بله.

بیننده:

سلام عرض می کنم خدمت حضرت استاد حاج آقا قزوینی و خدمت شما عذر می خواهم یک سوال

داشتم در مورد یک روایت که حضرت امیر المومنین علی علیه السلام در مورد خودشان فرمودند این که متن

این روایت این است که، من بنده ی خدا برادر رسول خدا و صدیق اکبر هستم پس از من کس دیگر خود را

صدیق نخواند جز دروغ گو. یک خواهش از حضرت استاد داشتم این بود که بعضی از این اعلامی اهل سنت

آمده اند این را تضعیف کردند این روایت را مثل البانی که در سلسله موضوعات از ضعیفه است.

آن را ضعیف دانسته است یا ذهبی که گفته است.

هذا کذب علی علی علیه السلام.

یا ابن جوزی که در موضوعات آن هم ضعیف دانسته است. خواستم که حضرت استاد این شبهه را

جواب بدهند.

آقای محسنی:

بله چشم ان شاء الله.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

البته این را من مفصل قبلا جواب داده ایم ما در کتاب های معتبر اهل سنت آماده است و جالب این

است که ابن ماجه قزوینی در سنن شان جلد ۱ صفحه ی ۴۴ نقل می کند که امیر المومنین فرمود:

عن عبد الله و اخو رسوله.

من برادر پیغمبر هستم و بنده ی خدا هستم.

و عن صديق الأكبر.

من صديق اکبر هستم.

بعد از من هر کس همچنین ادعایی بکند دروغ می گوید. این را در سنن ابن ماجه است که.

هذا اسناد الصحيح.

و همچنین آقای حاکم نیشابوری می گوید این روایت صحیح است.

علی شرط الشيخین.

این خیلی جالب است. که با شرط شیخین مستدرک دوستان ملاحظه کنند جلد ۳ صفحه ی ۱۱۲ و

کتاب های متعدد دیگری این مباحث را آورده اند و همچنین جناب طبری این روایت را در تاریخ شان آورده

است سندش هم کاملا صحیح است. جلد ۲ صفحه ی ۵۶.

آقای محسنی:

در خدمتتان هستیم اگر سوال دیگری ندارید با شما خدا حافظی بکنیم.

بیننده:

خیلی ممنون هستم.

آقای محسنی:

خدا نکه دار شما باشد آقای عبد اللهی. جناب آقای محمد زهی از زاهدان اگر صدای بنده را دارید اولین بیننده ی اهل سنتمان که روی خط می آیند سلام و عرض ادب دارم خدمت شما.

بیننده:

الو سلام علیکم.

آقای محسنی:

و علیکم السلام آقای محمد زهی.

بیننده:

خسته نباشید.

آقای محسنی:

درود بر شما، در خدمت شما هستیم.

بیننده:

ببخشید سوالی در باره ی غدیر داشتم. شبکه ی سلامت چند وقت سوالی مطرح کرده است که حضرت علی در حدیث غدیر استناد کرده است یا نه؟

آقای محسنی:

بله سوال خوبی است. خیلی استناد کرده است. ما بارها هم استاد این را فرموده اند اگر نیاز هست باز برای شما استاد مطرح می کنند. سوال دیگری ندارید؟

بیننده:

نه خیلی ممنون از برنامه ی خوبتان.

آقای محسنی:

خواهش می کنیم. خدا نگه دار شما باشد جناب آقای محمد زهی عزیز. حاج آقا این سوال را اگر می

خواهید پاسخ بدهید می ترسم یک مقداری وقت بگیرد.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به من اجازه بدهید که همین الان من اجازه بدهید من پاور پوینتتش را من بیاورم خدمت دوستان عزیز

همین برادر بزرگوارم جناب آقای محمد زهی این را اگر عزیزم نگاه کنند تلویزیون شان را احمد بن حنبل از ابو

طفیل عامر بن واصله که راوی پیغمبر است می گوید علی بن ابی طالب مردم را در حیاط مسجد جمع کرد و

همه را قسم داد به خدا که گفت شما را به خدا در غدیر خم پیغمبر در حق من چه گفت؟ می گوید ۳۰ نفر از

صحابه ابو نعیم می گوید جمعیت زیادی بلند شدند و گفتند.

من کنت مولا فهدا علی مولا.

پیغمبر اکرم فرمود که آیا می دانید من به همه ی مومنین از خود مومنین ولایتم بیش تر است؟ گفتند

بله. این جناب آقای محمد زهی بزرگوار این استدلال امیر المومنین حتی از صحابه اعتراف می گیرد. می گوید

آیا شما شاهد بودید یا نه؟ اگر این عبارت دلالت بر خلافت امیر المومنین نمی کند. برای چه حضرت این مردم

را قسم می دهد؟ مسند احمد جلد ۴ صفحه ی ۳۷۰ هیثمی در مجمع الزوائد می گوید صحیح است. آقای

البانی هم می گوید شرائط صحیح بخاری در این است.

ابن حجر مکی در صواعق المحرقة صفحه ی ۱۰۷ موسسه ی بعثت بیروت چاپ کرده است می گوید این

عبارت بوده ولی ملا علی قاری می گوید استدلال کرده امیر المومنین، آقای زرقانی می گوید استدلال کرده

است. در روایات شیعه هم کافی جلد ۸ صفحه ی ۳۴۳ باز این جا امیر المومنین سلام الله علیه بعد از رحلت نبی مکرم در همان وقتی که مشغول غسل و تدفین پیغمبر است به حدیث غدیر چکار می کند؟ استدلال می کند.

این روایت هم از دید گاه شیعه کاملا صحیح است هیچ مشکلی ندارد. اضافه بر این که پیغمبر در زمان خود رسول اکرم هم آمده ولایت خودشان را مطرح کرده است. حضرت زهرا استدلال کرده است به حدیث غدیر و کاملا واضح و روشن است. حتی ما حالا این دیگر در پاورپوینت نیاورده ام حالا ان شاء الله این را هم من شاید برای آشنایی بیش تر برای عزیزان ان شاء الله عرض خواهم کرد. به حول و قوه ی الهی که امیر المومنین سلام الله علیه در روز.

آقای محسنی:

در شورای ۶ نفره.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در شورای ۶ نفره که مفصل دارد. ولی آن که خیلی مفصل تر است که حاکم نیشابوری نقل می کند که در روز جنگ جمل امیر المومنین سلام الله علیه در جمل طلحه را خواست و گفت که.

حل سمعت رسول الله یقول من کنت مولاہ فعلی مولاہ؟

آیا شنیدی از پیغمبر که در غدیر خم فرمود هر کس من مولای او هستم علی هم مولای اوست؟
اگر من بتوانم این را سرچ کنم.

فلم تقاتلنی.

از این مکتبه ی الجامع الکبیر من بیاورم که این برادر عزیزم هم ببیند.

فلم تقاتلنی.

بله اگر همین دوستان یک لحظه مانیتور من را محبت بکنند بله ببینید برادر بزرگوارم که راوی می گوید
که علی بن ابی طالب در جنگ جمل بودیم.

فبعث إلى طلحة.

کسی را فرستاد سراغ طلحه که پیش من بیا.

طلحه آمد امیر المومنین فرمود.

نشدتک الله.

خدا را سوگند می دهم به تو.

هل سمعت رسول الله يقول من كنت مولاه فعلي مولاه.

در غدیر شنیدی پیغمبر این را فرمود؟

قال نعم.

بله.

قال فلم تقاتلني.

پس با این که شنیده اید چرا به جنگ من آمده ای.

قال لم أذكر.

من یادم رفته است فراموش کرده ام.

قال فانصرف طلحة.

طلحه از جنگ منصرف شد.

راه خودش را گرفت و رفت البته همین که از سپاه عایشه رفت بیرون جناب آقای مروان، مروان حکم آقا

داماد خلیفه ی سوم خلاصه.

رماه بسهم فقتله.

از پشت سر یک تیری زد بین دو کتف آقای طلحه همان جا ایشان را کشتند.

آقایان می توانند این که طلحه با تیر مروان کشته شد بعد از آن که با امیر المومنین مذاکره کرد و متقاعد شد این جنگ با علی خلاف است و منصرف شد رفت کتاب الاستیعاب عبد البر جلد ۲ صفحه ی ۷۶۶ را ببینند یا اگر آن هم حوصله نکردند تاریخ اسلام ذهبی جلد ۳ صفحه ی ۴۸۶ را هم ملاحظه کنند.

آقای محسنی:

مضافا بر این که حاج آقا این را هم بفرمایید که قبل از حضرت امیر حضرت زهرا که امشب هم تعلق به ایشان دارند. ایشان.

حل ترک ابیر.

می آمدند در خانه ی انصار و صحابه می آمدند و می گفتند من پدرم روز غدیر برای شما عذری گذاشت. آن جا هم بحث مفصلی است که استاد بار ها فرموده بودند.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

البته این هم در آن پاور پوینت آورده اند دوستان دیده اند ظاهرا حضرت عالی که محمد بن عمر اصفهانی متوفی ۵۸۱ است از فاطمه ی بنت امام رضا تا از فاطمه ی بنت نبی که فاطمه ی بنت رسول الله آمد به مسجد.

قالت انسیتم قول رسول الله یوم غدیر خم.

آیا فراموش کرده اید سخن پیغمبر را در غدیر خم که فرمود:

من كنت مولاة فعلی مولاة؟ و قوله علیه السلام لعلي أنت مني بمنزلة هارون من موسى.

و ایشان می گوید:

متفق علیه.

یعنی این روایت.

متفق علیه.

اهل سنت هست. دوستان می توانند نزهه الحفاظ جلد ۱ صفحه ی ۱۰۱، مناقب الاسد الغالب جناب آقای ابن جزری متوفی ۸۳۳ جلد ۱ صفحه ی ۱۴ را هم می توانند ببینند. حالا ان شاء الله اگر فرصت بشود من استدلال امیر المومنین را مفصل استدلال حضرت زهرا، استدلال امام حسن، استدلال امام حسین، استدلال سلمان، استدلال ابوذر همه به حدیث غدیر بعد از واقعه ی ثقیفه این ها را ان شاء الله مفصل می آورم. حالا اگر ما فرصتی هم نکردیم بینندگان عزیز جلد ۱ الغدیر مرحوم علامه ی امینی تمام این ها را از منابع اهل سنت مفصل این ها را آورده است.

آقای محسنی:

خیلی ممنون. جناب آقای فاطمی از شهر کرد. اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم خدمت
تان.

بیننده:

من هم سلام عرض می کنم خدمت شما.

آقای محسنی:

درود بر شما ما هم سلام عرض می کنیم و تبریک عرض می کنیم.

بیننده:

خیلی مچکرم سلام عرض می کنم خدمت حاج آقا قزوینی بزرگوار

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

بیننده:

من می خواستم از حضورتان خواهش کنم که چند لحظه اجازه بدهید من یک چند تا مطلب عرض کنم

خدمتتان.

آقای محسنی:

جناب آقای فاطمی یک مقدار صدایتان بلند تر باشد ما و بینندگان عزیز بشنویم.

بیننده:

بله. در مورد ازدواج حضرت زهرا دختران حضرت زهرا و حضرت علی علیه السلام آن روز من تلویزیون را روشن کردم و در این مورد من با برادران اهل سنت یک صحبتی دارم. و آن این است که ازدواج دختر حضرت علی علیه السلام با جناب عمر دلیل بر تأیید عمر نه تنها نیست بلکه جای سوال دارد. چرا که پیامبر مکرم اسلام دارای ۴ دختر بودند. زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت زهرا سلام الله علیه که اگر آن برادران اهل سنت مطالعه داشته باشند دو دختر از دختران رسول مکرم اسلام سلام الله علیه با دو پسر از پسران ابی لهب ازدواج کردند.

آیا ازدواج این دو بزرگوار که خیلی هم مورد آزار و اذیت آن خانواده بودند آیا دلیلی بر تأیید ابی لهب است؟ مسلماً نیست. من نمی دانم این ها چه تبلیغاتی راه انداخته اند به خاطر یک ازدواج تعجبم من از جواب حضرت آیت الله قزوینی خیلی آن شب خوش حال شدم. واقعا من این سوال را از این آقایان دارم از برادران

اهل سنت که آیا ازدواج اگر دلیل بر خوب بودن شخصی است پس چرا ابی لهب را در قرآن ما داریم سوره ای داریم که می فرماید که در قرآن می فرماید که.

تبط یدا ابی لهب و تب.

آیا آن تأیید بر این است که دختران پیامبر طلاق گرفتند از آن جا آمدند. و به خیلی مورد آزار و ظلم قرار گرفتند و من اصلا تعجبم برادران اهل سنت این چطوری مطالعه ندارند نمی دانند من خلاصه از شما تشکر می کنم از برنامه ی خوبتان تشکر می کنم ان شاء الله که بتوانیم از حضرت عالی و حضرت آیت الله قزوینی استفاده بکنیم خداوند ان شاء الله شما را همیشه حفظ بکند و ما هم بتوانیم از شما فیض ببریم ان شاء الله.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ان شاء الله.

آقای محسنی:

سپاس گذاری می کنیم ممنونیم بله همین طور هست که حضرت عالی اشاره کردید به هر صورت دوستان ما این سوالات را بیش تر مطرح می کنند که به هر صورت اختلافاتی نبوده بین این مباحث و این ها خیلی با هم ارتباط داشته اند و این گونه بودند که این ها این طور نیست و دوستان ما شاید خیلی علاقه دارند به این که نسبت به این قضایا بخواهند یک اهرمی را استفاده بکنند که به آن بیاویزند و بگویند که بله این ها اختلافی نداشتند در صدر اسلام با هم دیگر در کنار هم بودند شما دارید الان اختلافات را مطرح می کنید.

در صورتی که ما هم قصد اختلاف نداریم خدایی نکرده یا توهین و جسارتی به مقدسات اهل سنت نمی کنیم. بحث، بحث علمی است و داریم می گوییم اگر بعد از پیامبر گرامی اسلام سکان جامعه را به دست کسی داده است آن نفر چه کسی است؟ و چه مشخصاتی دارد؟ که ما داریم الان مباحث عقلی و مشخصه ها را داریم مطرح می کنیم داریم از آن طرف مباحث نقلی را مطرح کردیم. آیات و روایات را مطرح کردیم. مصادیق کاملا

مشخص شد از این طرف هم داریم مباحث عقلی را مطرح می کنیم. می گوییم مباحث عقلی هم اگر این گونه است باز حضرت امیر بهترین نامزد است برای این شاخصه ها که نزد اعلمای اهل سنت هم است که حضرت عالی هم اشاره کردید.

جناب آقای آقا حسین از خرم آباد اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم خدمت شما.

بیننده:

سلام علیکم.

آقای محسنی:

و علیکم السلام.

بیننده:

بخشید حاج آقا خواستم از شما تشکر کنم راجع به برنامه ی خوبتان.

آقای محسنی:

در خدمت هستیم.

بیننده:

بعد یک سوال داشتم از خدمتتان این کسانی که به اسم القاعده در عراق دارند این شیعه ها را می

کشند. شهید می کنند. این ها مگر به قرآن اعتقاد ندارند که می گوید:

لا إكراه في دين.

که گفته اند به عنوان مشرک می آیند شیعیان را می کشند. گفتم بینم این دلیل شان چه است؟

آقای محسنی:

این ها اگر اعتقاد به قرآن داشتند که نباید این طور توهین و جسارت و قتل و جنایت می کردند. نشان می دهد به قرآن هم احترام نمی گذارند.

بیننده:

بعد عذر می خواهم ببخشید. راجع به این ازدواج دختر حضرت علی با عمر گفتم بینم مثلا اشکال دارد واقعا ما بگویم اصلا این ها مودت داشتند که این به اصطلاح تفرقه بین شیعه و سنی کم تر باشد؟

آقای محسنی:

یعنی چه؟

بیننده:

یعنی مثلا بگویم از بابت این بوده که با هم همکاری می کردند.

آقای محسنی:

الان من که توضیح دادم شما تازه بیننده ی برنامه ی ما شدید؟ بله؟

بیننده:

نه یک لحظه ما صدا را کم کردیم.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اصلا بحث آن نیست جناب آقای حسین آقای عزیز ببیند برادر بزرگوار این ها دیگر دلیل شان از همه ی دستشان از همه ی عدله کوتاه شده است. این همه ما دلیل آوردیم برای خلافت امیر المومنین نتوانستند جواب

بدهند. این همه ما سوال کردیم از اعقائد خودشان نتوانستند جواب بدهند. چسبیده اند که حضرت عمر داماد پیغمبر داماد علی بن ابی طالب بوده چنین بوده چنان بوده. حالا گیریم که اصلا به قول فرمایش شما رابطه ی دوستانه هم داشته اند.

دختر هم به آن داده است. کاملا همه ی این ها. آیا این ها دلیل بر این است که علی خلیفه نبوده؟ آیا دلیل بر این بوده که آقای عمر چون ازدواج کرده خلیفه بوده ازدواج کرده است؟ خلیفه بوده این ازدواج صورت گرفته است؟ این به چه دلیلی می خورد به کجای کار می خورد؟ شما حداقل بیاید همین عبارتی را که صحیح مسلم می آورد این که دیگر صحیح مسلم از کتاب هایی است که بعد از من صحیح ترین کتاب های شما است. در جلد ۵ صفحه ی ۱۵۲ حدیث ۴۴۶۸ که خود خلیفه ی دوم می گوید رأی تو علی این بود من گنه کار دروغ گو حيله گر خائن هستم. آن را بیایید شما جواب بدهید چرا این جا آمده اید؟ و اضافه من امشب شب ازدواج حضرت زهرا و امیر المومنین سلام الله علیه است اگر دوستان مانیتور من را یک لحظه بدهند. ببینید این نرم افزار الجامع الکبیر است کتاب سوائق المحرقه است. کتابی که بر ضد شیعه نوشته شده است.

می گوید ابو داود سجستانی می گوید:

أن أبا بكر خطبها.

ابا بکر به خواستگاری حضرت زهرا آمد.

فأعرض عنه.

پیغمبر از ابو بکر رو گرداند اعراض کرد.

ثم عمر.

عمر آمد به خواستگاری حضرت زهرا.

حضرت پیغمبر از او هم اعراض کرد رو گرداند آمدند پیش علی، علی آمد خواستگاری کرد به علی داد.

آیا شما همین را، حضرت رسول اکرم وقتی ابو بکر آمد اعراض کرد.

فأعرض عنه.

روی گرداند.

دست رد زد. خلیفه ی دوم هم آمد دست رد زد. آیا این از این کسی یک شیعه از این استدلال کند که این ها شایسته نبودند لیاقت نداشتند قاصب بودند و غیره، آیا این را می توانید شما ها دلیل بگیرید؟ اصلا و ابدا. این که نمی دانم این قضیه را ما بیاییم با خلافت بخوایم پیوند بزنیم. حقانیت یا بطلان ابو بکر و عمر اصلا هیچ ارتباطی ندارد این قضیه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم احساس می کند این دخترش حضرت زهرا سلام الله علیها با علی بن ابی طالب وقتی هم که می آیند اعتراض می کنند که چرا این چنین کردی؟ حتی یعقوبی دارد که جماعتی از مهاجرین به خواستگاری آمده بودند.

ولی رسول اکرم به هیچ وجهی به این ها جواب مثبت نداد بلکه جواب رد داد و بعد در برابر اعتراض

پیغمبر فرمود:

ما أنا زوجة.

من زهرا را به عقد علی در نیاورده ام.

ولا کن الله زوجة.

اصلا عقد علی و زهرا توسط خدای عالم صورت گرفت.

این ارزش دارد. ببینید این ارزش دارد عقد زهرا و علی در آسمان ها بسته شده است این اگر واقعا

کسی بخواهد دنبال فضیلت بگردد این فضیلت است. حضرت زهرایی که از میان این هشت فرزند پیغمبر

فرمود:

بذعت منی.

در باره ی او فرمود:

فاطمه إن الله یرضا لرضاک و یرض لرضبک.

که در مستدرک حاکم جلد ۳ صفحه ی ۱۵۳ می گوید روایت هم صحیح است.

آقای محسنی:

خیلی ممنون آقای حسین اگر سوالی ندارید با شما خدا حافظی بکنیم؟

بیننده:

ببخشید اگر امکان دارد من یک نکته ی دیگر بگویم.

آقای محسنی:

فرصتی کوتاه در خدمت شما هستیم.

بیننده:

من یک نکته ی دیگر می خواستم خدمت شما عرض کنم من می گویم که حضرت علی مطمئنا بر جسته ترین صحابه بوده مطمئنا حتی به روایت خود اهل سنت و من می خواهم این را بگویم که امامت با خلافت ممکن است اصلا زیاد حالا اثنباتم این است که رابطه ندارد. یعنی خود امام معمولا کسی است که بیش تر از بقیه آگاهی دارد و مردم و حتی خلفا هم این چنین که دیده ام به حضرت علی مراجعه می کردند بارها، ایشان نقش رهبری را داشته در جامعه و این به هر حال فکر می کنم حالا شاید بگویم حضرت علی هم سکوت کرده است اگر ما هم مثلا کم تر همین فرمایشی که حضرت آقای قزوینی فرمود که به اصطلاح به بزرگان اهل صحابه نباید توهین بشود به اهل سنت نباید توهین بشود.

من می گویم این موارد را هم به عنوان رابطه ی خوب مطرح کنیم بین صحابه و حضرت علی باعث می

شود که وحدت مسلمان ها بیش تر بشود. منظورم این بود.

آقای محسنی:

نگاه کنید این بحث، بحث متفاوتی است. نگاه کنید بحث وحدت و احترام یک بحثی است که بارها استاد فرموده اند مراجع ما فرموده اند رهبر عزیز انقلاب فرموده اند و همه ی ما باید این وحدت را رعایت بکنیم احترام متقابل و به مقدسات هم دیگر احترام بگذاریم این سر جای خود است. بحثی که این جا مطرح است بحث علمی است.

ما می گوئیم سوال به قول عرب ها.

سوال؟

آیا بعد از پیغمبر کسی مشخص شد یا نشد؟ آیا اگر کسی مشخص شد مصداقش معلوم است که است یا نه؟ آیا پیغمبر شاخصه گذاشت یعنی ملاک گذاشت یا نه کسی را معرفی کرد؟ این ها مباحثی است که داریم مطرح می کنیم. اگر علی علیه السلام هست به چه دلیل است؟ این آیه این قرآن اگر آقای ابو بکر است به چه دلیلی است؟ ما دلیل را می خواهیم دیگر چون این ها نگاه کنید ما باید این ها را پیگیری کنیم باید اطاعت کنیم. نمی شود بگویم حالا آن ها برای خودشان بودند ما هم برای خودمان هستیم.

نه، این یک خطی است که از آن جا شروع شده است و به این جا رسیده است و همه وظیفه داریم پیگیری کنیم و دنبال بکنیم قضایا را این خدایی نکرده جسارت یا بی ادبی یا اختلاف نیست بین ما. ممنون هستیم جناب آقای حسین آقا، جناب آقا محمد از تهران از برادران اهل سنت سلام و عرض ادب داریم خدمت شما.

بیننده:

سلام علیکم آقای محسنی خدمت آقای قزوینی هم سلام عرض می کنم.

آقای محسنی:

و علیکم السلام.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام و رحمت الله و برکاته.

بیننده:

من سوالم را این طور مطرح می کنم که اول به من بگویید که امام علی با وحی در ارتباط بوده یا نه؟

آقای محسنی:

امام علی علیه سلام با چه؟

بیننده:

امام علی با وحی در ارتباط بوده یا نه؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مراد شما از وحی چه است؟

بیننده:

با خدا می توانسته صحبت بکند؟ خدا با او صحبت کرده است یا نه؟ می توانسته این ارتباط را برقرار

کند یا نه؟ سوالم که خیلی مشخص است.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

وحی یک دفعه این است که با ملائکه مرتبط است یک دفعه با، مراد از وحی یعنی فرض بعد از پیغمبر

یک سری احکامی به علی رسیده است. مرادتان این است؟

بیننده:

نه ببینید آقای قزوینی، آقای امام علی با وحی در ارتباط بوده یا نه؟ خیلی واضح و مشخص است.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

وحی به عنوان شریعت خیر.

بیننده:

خیر، رحمت به اموات. حالا به من بگویید که پیغمبر خلافت امام علی به او وحی شد یا نه؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله وحی شد.

بیننده:

پس از طرف خدا بوده این درست است؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله.

بیننده:

حالا به من بگوئید که پیغمبر هم به امام علی این مسئله را اطلاع داد که گفت بعد از من از طرف خدا دستور داده شده که شما خلیفه باید بشوید. حالا چرا وقتی پیغمبر فوت کردند امام علی باید خلیفه می شد طبق دستور الهی چرات مخالفت کرد با دستور الهی؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یعنی چه؟ یعنی علی نیامد خلیفه بشود؟

بیننده:

بله. چرا؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نگذاشتند خلیفه بشود. علی خلیفه نشد یا نگذاشتند؟

بیننده:

آقای قزوینی چرا نیاستاد جلوی دیگران که نگذاشته اند؟ مگر این یک حکم الهی نبود؟

آقای محسنی:

سوال را باید یک طور دیگر مطرح بکنید.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بینید عزیز من آیا پیغمبر، پیغمبر بود یا نبود؟

بیننده:

بله بود.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

چرا در مکه در این ۱۳ سال هیچ کس زیر بار نبوت پیغمبر نرفت؟ مگر پیغمبر با مشرکین جنگ نکرد؟

برای اثبات نبوتش چرا دست به شمشیر نزد در مکه؟

بیننده:

آقای قزوینی اجازه می دهید من هم حرف بزنم؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بفرمایید.

بیننده:

ولی پیغمبر حرفش را زد دین خدا را ابلاغ کرد. هر وحیی که از طرف خدا می آمد پیغمبر با شجاعت

این وحی را ابلاغ می کرد به تمام مردم حتی به قیمت جاننش هم که تمام می شد بعضی موقع ها ولی ابلاغ می

کرد این وحی الهی را، چرا امام علی این دستور الهی را اجرا نکرد؟ این حکم الهی را اجرا نکرد؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مثلا مراد شما یعنی علی نگفت من خلیفه هستم؟

بیننده:

جان؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

علی نگفت که من خلیفه هستم؟

بیننده:

نه غیر از گفتن باید می ایستاد تا پای جانش هم می رفت. چون دستور الهی بود.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

چرا پیغمبر تا پای خون در مکه ۱۳ سال نرفت؟

بیننده:

مگر پیغمبر را نمی خواستند بکشند آقای قزوینی؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نه در این ۱۳ سال چرا دست به شمشیر نکرد پیغمبر؟

بیننده:

چرا بزند با چه کسی بزند؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

با کفار با مشرکین برای این که اثبات کند به آن ها که من پیغمبر هستم هر کس پیغمبری اش را قبول

نکرد با او جنگ کند. چرا جنگ نکرد؟

بیننده:

بلاخره پیغمبر، ببینید آقای قزوینی این مسئله فرق می کند.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نه جواب بده عزیز من جواب بده بعد برو جلو، پیغمبر در این ۱۳ سال در مکه تمام شکنجه ها را تحمل کرد. شکنجه ی صحابه را تحمل کرد. جلوی چشمش دارد می بیند مادر عمار یاسر سمیه را شکنجه می کنند به بدترین وجه، با این حال به هیچ وجه نه از صحابه دفاع کرد و نه برای اثبات نبوتش آمد دست به شمشیر زد. این را شما بفرمایید روشن کنید.

بیننده:

من الان جوابتان را خیلی قشنگ می دهم. من جوابتان را که می دهم شما هم قشنگ جواب من را بدهید.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بفرمایید.

بیننده:

من اول که با شما صحبت کردم پرسیدم امام علی با وحی در ارتباط بوده یا نه؟ شما گفتید نه، و پرسیدم پیغمبر با وحی در ارتباط بوده، می تواند علت این باشد که پیغمبر چون ۱۳ سال شمشیر به دست نکشید این بود که خدا به آن دستور داد که فعلا این کار را نکن، ولی امام علی با خدا در ارتباط نبود.

آقای محسنی:

خیلی ممنون اجازه بدهید من جواب شما را بدهم. شما قبول دارید پیغمبر غیب می دانسته و از آینده

خبر می داده؟

بیننده:

نه من با این مسئله کار ندارم. من می دانم پیغمبر توسط جبرئیل با وحی و با خدا در ارتباط بوده امکان

داشت خدا در آن ۱۳ سال به پیغمبر دستور داده بود که دست به شمشیر نزن.

آقای محسنی:

مرحبا به شما، شما این را قبول دارید که.

بیننده:

ولی امام علی با خدا در ارتباط نبوده. بله بفرمایید.

آقای محسنی:

اشکال ندارد. مگر قبول ندارید حضرت علی علیه سلام نسبت به پیغمبر علمی را یاد گرفته است که

هزار در از علم به رویش باز کرده است و از آینده برایش خبر داده است و همه ی مطالب را گفته است حتی

حضرت استاد بارها این را فرموده اند که ما از صبح تا شب نشستیم و پیغمبر از آیندگان برای ما صحبت کردند.

آیا به نظر شما نمی رسد پیغمبر همه ی دستورات و همه ی اتفاقاتی که بعد از خودشان برایشان پیش می آید

همه ی این ها را به حضرت امیر گفته باشد؟ و همین طور که در روایت ها هم است.

بیننده:

نه اصلا من قبول ندارم.

آقای محسنی:

در روایت ها هم است که حضرت علی علیه السلام مأمور به تکلیف هستند تا جایی می تواند دفاع بکند از خلافتش و امامتش که به آن توجه کند. وقتی نیست باید از بین برود. و این صحیح نیست.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نه آقای محمد آقا اجازه بدهید پیغمبر چون مرتبط با وحی بوده خدای عالم به او وحی می رساند بر این که مثلا یا پیغمبر الان قیام نکن این را دلیل آوردید شما دیگر؟

بیننده:

بله.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

امیر المومنین هم روایات متعدد داریم که به امیر المومنین فرمود که یا علی.

إن وجدت ناصر و قاتلهم.

اگر یار پیدا کردی نیرو پیدا کردی با مخالفین بجنگ و اگر نیرو پیدا نکردی تحمل کن و صبر کن.

اگر امیر المومنین هم آمد صبر کرد طبق دستور پیغمبر بوده.

آقای محسنی:

این اشکال دارد؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بفرمایید.

بیننده:

ببینید شما جواب منطقی نمی دهید.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیز من، من نمی دانم شما به چه می گوئید منطقی؟

آقای محسنی:

ما آتاکم الرسول و خذوع.

هر چه پیغمبر گفته است باید اطاعت کنیم یا نکنیم؟

بیننده:

شما چطور می توانید اثبات کنید پیغمبر چنین حرفی را زده است؟

آقای محسنی:

در روایات این خیلی خوب است درد نکند.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شما خیلی خوب می فرمایید زده یا نزده؟ چشم این طور سوال کن، زده یا نه؟ با روایات صحیح در

کتاب ما غیب شیخ طوسی صفحه ی ۱۹۳.

بیننده:

کتاب شما را قبول ندارم. از کتاب اهل سنت بگویید.

آقای محسنی:

آن را هم می گویم.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ادب را رعایت کنید عزیزم. شما سوال کردید از مدرک من هم دارم آدرس می دهم. شیخ طوسی در

غیبت می گوید صفحه ۱۹۳ می گوید پیغمبر فرمود:

یا علی فأن وجدت اعوانا و جاهدهم.

اگر نیرو پیدا کردی با این ها جهاد کن.

و إن لم تجد اعوانا فكف يدك و قندمك.

اگر اعوان پیدا نکردی دست نگه دار خونت را حفظ کن.

بعد این را مستدرک الوسائل جلد ۱۱ صفحه ی ۷۴ آورده است. در کتاب های اهل سنت شما ببینید در

صحیح مسلم جلد ۶ صفحه ی ۲۰ حدیث ۴۶۷۸ پیغمبر اکرم فرمود:

يكون بعدى ائمة.

بعد از من این را به حذیفه می گوید حذیفه هم زمان ابو بکر و عمر و عثمان بوده اوائل خلافت علی هم

از دنیا رفته است. دوران امامت امیر المومنین هم درک نکرده است. می گوید حذیفه بعد از من پیشوایانی می

آیند.

لا يهتدون به هدا.

از هدایت من بهره نبرده اند.

و از سنت من پیروی نمی کنند. این ها افرادی می آیند قلبشان قلب شیطانی در جسم آدمی هستند.

آقای حذیفه می گوید وظیفه ی ما چه است؟ حضرت فرمود:

تسمع ططیع الأمير و إن ضرب زهرک و أخذ مالک.

اگر که تو را کتک بزنند اموالت را هم بگیرند موظف هستی در برابر حاکم اسلامی مطیع باشی.

این حدیث صحیح مسلم است. حالا بفرمایید شما.

بیننده:

این که شما از مسلم گفتید آخرش خیلی جالب است. پیغمبر به این شخص می گوید که مطیع این

مسئله باش. درست است یا نه؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. می گوید آقا اگر چنان چه یک حاکمانی آمدند ظلم کردند در آن زمان کتک هم زدند حقت را هم

گرفتند وظیفه ات سکوت است.

بیننده:

پس ببینید اولاً این جا پیغمبر دارد یعنی تأیید می کند که خلافت ابو بکر و عمر و عثمان که آقا این

خلافتشان درست است و اطاعت کنید. دوماً از باب دیگر می شود به این حدیث نگاه کرد که اصلاً این خلفای

نابابی که پیغمبر در موردشان صحبت کرده است اسم که نبرده است. می تواند اصلاً در زمان ما و در آینده و در

گذشته باشد. این خلفا را که اسم نبرده است. یک چیزی از آینده گفته است. شما چرا این را نسبت می دهید به

ابو بکر و عمر و عثمان.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من اصلا چه کار آن ها دارم. اسم ابو بکر و عمر را آورده ام من؟

بیننده:

ما داریم در مورد خلافت علی صحبت می کنیم.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیز من پیغمبر می گوید بعد از من خلفایی پیشوایانی می آیند.

لا یهتدون به هدای.

وظیفه ی همه ی مسلمان ها این است در برابر این ها اطاعت کنند. قیام نکنند.

بیننده:

این خلفا که هستند؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

هر کس باشد. روایت از شیعه من آوردم. ببینید اگر می خواهید جدل کنید این جا جای جدل نیست

وقت شبکه را بگیری محمد آقا این به نظر من دیگر آن چیزی که نیاز بود من جواب بدهم به حضرت عالی داده

ام.

آقای محسنی:

چون اگر می خواهید سر و صدا و جدل و بحث بکنید این که فایده ندارد. اگر شما سوال استفهامی

دارید؟ سوال می کنید که من فلان مشکل را دارم من واقعا نمی دانم یک همچین چیزی هست یا نه؟ باز هم

می روید قضاوت می کنید مضافاً بر این که میلیون ها نفر دارد نگاه می کنند و این مباحث را پیگیری می کنند.
این طور تصور نشود که حالا می آییم یک بحثی را می کنیم.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر عزیز از قول خود امیر المومنین هم من یک آدرسی می دهم شما بر این آدرس را مطالعه کن و
دقت کن بعد ان شاء الله در جلسه ی بعد تشریف بیاور این جا با هم صحبت کنیم. کتاب الاستیعاب ابن عبد البر
از کتاب های معتبر است طراز اول عزیزان اهل سنت است. جلد ۲ صفحه ی ۴۹۷ اگر چاپ ها مختلف بود
ترجمه ی رفاعت بن رافع، از قول امیر المومنین سلام الله علیه می فرماید آن چه که شایسته است برای خلافت
من بودم.

و ایم الله.

به خدا سوگند.

لو لا مخافة الفرقه.

اگر من بیم این نداشتم که اگر قیام کنم برای گرفتن حق خودم تفرقه ایجاد می شود برادر کشی می
شود.

و أن يعود الكفر.

کفر دو باره از راه می رسد.

و يبور الدين.

و دین اسلام از بین می رود.

به خدا سوگند اگر بیم این را نداشتم.

لقیرنا.

حکومت را عوض می کردم خودم بر رأس حکومت می نشستم.

فصبرنا علی بعد العلم.

بعضی از درد ها را تحمل کردم.

ثم لمنر به حمد الله خیرنا.

و دیدم الحمد لله خوب هم شد.

چون اگر من قیام می کردم ۱۰۰ نفر با من بودند ۲۰۰ نفر با آن ها یک برادر کشی اتفاق می افتاد. ۵۰ نفر از ما ۵۰ نفر از آن ها دو باره این ها می آمدند برادر کشی از آن طرف هم منافقین از فرصت سوء استفاده می کردند. حکومت ایران حکومت روم دنبال فرصت هستند ضربه بر اسلام وارد کنند. امیر المومنین قیام می کرد اسلام از بین می رفت و دیگر نه اسلامی بود نه خلافتی بود تا امیر المومنین بیاید بر آن ها چه کار بکند؟ خلافت بکند.

فقط من از شما تشکر می کنم امیدوارم این مقدمه ای که چیده اید نمی دانم با وحی مرتبط بود یا نه؟ این ها عزیز دل من حرف هایی است که دیگر تاریخ مصرفش آقای محمد آقای بزرگوار گذشته است و جواب این را مفصل ما قبل داده ایم. امیر المومنین تابع پیغمبر است و خودش هم از روز های اول خود امیر المومنین سلام الله علیه رسماً اعلام کرد بر این که من خلیفه ی واقعی من هستم. حتی وقتی می آید می آورند مسجد می گویند:

قیل لهم بایع ابا بکر.

با ابو بکر بیعت کن.

حضرت می فرماید:

أنا حق بهذا الأمر منکم.

آن کسی که شایسته ی خلافت است من هستم نه شما.

لا أعبائکم.

من با شما بیعت نمی کنم.

و اَنتُم قولا بالبیعت لی.

شما باید بیایید با من بیعت کنید.

خلیفه پیغمبر من هستم. عزیز من شما مراجعه کن کتاب الامام و السیاسه صفحه ی ۱۸ البته با تحقیق

جناب آقای زینی. ببینید این قضایا کاملا واضح و روشن است. یا همین آقای ابن قطیبه در صفحه ی ۹ که وقتی

ابو بکر می فرستد به سراغ علی بن ابی طالب که می گوید:

یدعوکم خلیفة رسول الله.

خلیفه ی پیغمبر ابو بکر می گوید که علی بیا با ما بیعت کن.

همین که کلمه ی خلیفه ی رسول الله را می شنود می گوید:

لسریع ما کذبت علی رسول الله.

چه زود بر پیغمبر دروغ بسته اید.

خلیفه ی پیغمبر من هستم شما نیستید. برادر بزرگوار شما این ها را مراجعه کن در کتاب الامامه و

السیاسه با تحقیق جناب آقای زینی صفحه ی ۱۹ اگر اشتباه نکنم با تحقیق جناب آقای شیری صفحه ی ۳۰ یا

۳۱ یکی از این ۲ صفحه، شما مراجعه بفرمایید ببینید در این که آن جا به چه نحوی بوده.

آقای محسنی:

مضافا بر این که حاج آقا حضرت امیر هم تا ۶ ماه به قول آقای بخاری مخالفت کرد با بیعت.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بیعت نکرد بله.

آقای محسنی:

دلیلش چه بوده؟

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله جلد ۵ صفحه ی ۸۲ حدیث ۴۲۴۰ صحیح بخاری.

آقای محسنی:

بله امید واریم که آقا محمد و امثال آقا محمدی که روی خط می آیند احترام بگذارند به دیگر بینندگان و واقعا سوال استفهامی دارند بیایند مطرح بکنند اگر بحث و جدل و این مباحث را می خواهند مطرح بکنند توهین به بینندگان عزیزمان می شود و واقعا سزاوار نیست وقت را بگیرند.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حصنی که دارد جناب آقای محسنی وقتی می آیند این طور مناقشه و جدل می کنند خیلی از مردم ما مجبور می شویم یک سری مطالب را بگوییم یعنی شاید ۹۰ یا ۹۹ در ۱۰۰ اهل سنت از این مطالب استفاده می کنند. و بهره می برند گرچه شاید امثال محمد آقا که ذهن شان با بعضی از شبحت آغشته است اگر همین عزیزمان هم من توصیه می کنم این آدرس هایی که من دادم ایشان بزرگواری کنند بروند مراجعه بفرمایند خیلی از قضایا برای همین محمد آقای عزیز ما هم حل می شود.

آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم حاج آقا فرصتمان تمام شد حاج آقا حصن خطاب برنامه هایمان دعای حضرت

عالی است.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا به آبروی امیر المومنین به آبروی زهرای مرضیه هر چه سریع تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولا یمان بقیه الله العظم بیوشان و ما را از یاران ویژه ی آن بزرگوار قرار بده. خدایا تمام آن هایی که در آرزوی ازدواج هستند و مشکلاتی دارند به آبروی علی و زهرا مقدمات ازدواج شان را فراهم بفرما. خدایا آن هایی که در زندگی اختلاف دارند به آبروی آن صفا و صمیمیت میان علی و زهرا همه ی اختلاف ها را از درون خانواده ها به احترام این دو بزرگوار برای همیشه بر چین. صفا و صمیمیت را بر همه ی خانواده ها حاکم بگردان. بر همه ی بیماران مخصوصا بیماران مورد نظر به آبروی زهرا و علی شفای عاجل کرم بفرما. حوائج همه حوائج ما دست اندر کاران شبکه ی جهانی ولایت حوائج بینندگان عزیز ما آن هایی که تکرار برنامه را می بینند و آمین می گویند آن ها هایی که در ولایت یاوران سهیم شدند و کمک می کنند همه و همه به آبروی زهرا و امیر المومنین حوائج همه را بر آورده نما.

خیلی از عزیزان التماس دعا داشتند گرفتارند مریض دارند من برای آن عزیزانی که التماس دعا کردند. خدایا به آبروی علی و زهرا حوائج این ها را هم بر آورده نما. بر بیمارانشان شفای عاجل کرم بفرما. دعاها را به اجابت برسان. و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

آقای محسنی:

ممنون و سپاس گذاریم حضرت استاد این فرصت را در اختیار ما و بینندگان عزیز قرار داده اید و از شما بینندگان فهیم شبکه ی ولایت ممنون و سپاس گذار هستیم که تا این لحظه همراه ما بودید تقریبا ۲ ساعت در خدمت شما عزیزان بودیم. از هم کاران عزیزم که تدارک برنامه را می بینند سپاس گذاری می کنیم و مجددا این شب را که شب با سعادت بود و ان شاء الله خداوند به ملت ایران به مردم ایران و به همه ی مسلمان ها ان شاء الله توفیقات روز افزون عنایت بفرماید و در رأس همه ی دعاهایمان عرض می کنیم.

اللهم عجل لوليک الفرج.

التماس دعا و خدا نځه دار.